



مبانی فقهی جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم در ایران

شیدا علی‌دوست^۱ و بابک پور قهرمانی*^۲

چکیده

تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف خود نیازمند حمایت مالی هستند و بایستی به طریقی منابع مالی خود را تامین نمایند. افرادی که به حمایت مالی از تروریست‌ها می‌پردازند، مرتکب جرم تامین مالی تروریسم شده و در آثار زیان‌باری که این عمل در زمینه‌های مختلف می‌گذارد، سهیم‌اند. علی‌رغم نوظهور بودن عنوان «تامین مالی تروریسم» با عناوین «معین در محاربه» و «اعانه بر اثم و عدوان» در فقه منطبق می‌باشد. در فقه، افرادی که بدون دخالت در تحقق فعل مجرمانه، در سایر مراحل به مجرم کمک می‌کنند، معین محسوب می‌شوند. در تروریسم نیز کسانی که از طریق تامین مالی به تروریست‌ها کمک می‌کنند، در حکم معین هستند و می‌توان از جرم‌انگاری عمل این افراد برای بررسی مبانی جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم در فقه استفاده نمود. در واقع چون تامین مالی تروریسم به طور مستقیم در فقه مورد توجه قرار نگرفته، می‌توان از قواعد کلی مانند قواعد «اکل مال به باطل»، «لاضرر»، «حرمت اعانه بر اثم و عدوان»، «حفظ حیات و امنیت جامعه»، جرم‌انگاری آن را توجیه کرد.

کلیدواژگان: مبانی فقهی، جرم‌انگاری، فقه، تامین مالی تروریسم، تروریسم

مقدمه

اصولا ادیان الهی مخالف هر گونه ترور و اعمال خشونت‌آمیز نامشروع هستند. ارتکاب این گونه اعمال، علاوه بر تجاوز آشکار به حقوق انسان‌ها، اختلال نظام و سلب امنیت عمومی را در پی دارد. در شریعت اسلامی، افراد و اشخاص که به منظور ایجاد رعب، وحشت، هرج و مرج و ناامنی از ابزار و وسایل جنگی یا سلاح استفاده کنند، به عنوان محارب و مفسد فی الارض معرفی شده‌اند که شدیدترین مجازات در فقه اسلامی برای آنها تعیین شده است. برای شناخت و درک

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسؤل)

صحیح موضع اسلام نسبت به اعمال خشونت‌زایی که به عنوان اعمال تروریستی شناخته می‌شوند، باید اصول و مبانی پذیرفته شده اسلامی که هر مسلمانی خود را مکلف به رعایت آنها می‌داند، به عنوان فرهنگ اسلامی مورد توجه و ترویج قرار گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص ۴۱).

تروریسم تهدیدی بزرگ برای حیات و امنیت انسان محسوب می‌شود؛ زیرا آنچه آماج حملات تروریستی قرار می‌گیرد، مهم‌ترین ارزش‌های جامعه انسانی از جمله جان افراد بی‌گناه است و ضرورت برقراری امنیت اجتماعی و حفظ جان اشخاص از طبیعی‌ترین انتظاراتی است که اعضای جامعه از متولیان جامعه خود دارند. بنابراین جرم‌انگاری رفتارهایی که پاسخی مناسب به احساس نیاز به برقراری عدالت و امنیت غالب شهروندان باشد، به طور کامل قابل توجیه است (شمس‌ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۹). تامین مالی تروریسم هم که از ارکان اصلی تروریسم محسوب می‌شود، نیاز به جرم‌انگاری دارد تا بتوان از این طریق به مقابله با تروریسم پرداخت. در اسلام، سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌ای نسبت به اخلاص کنندگان در امنیت عمومی شهروندان ترسیم شده و ارتکاب اعمالی که در جهان امروز به عنوان تروریسم، امنیت ملی و بین‌المللی را با مشکل مواجه ساخته، با پاسخ‌های شدید کیفری به عنوان مجازبه همراه است. حقوق کیفری ایران در ارتباط با تروریسم فاقد جرم‌انگاری مستقل است و عده‌ای از حقوق‌دانان، تروریسم را از مصادیق مجازبه و افساد فی الارض موضوع ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ شمرده‌اند (زکی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲).

در اسلام، کسانی که با گناهکاران همکاری می‌کنند، ممکن است به دو صورت این همکاری صورت گیرد: صورت اول دخالت تمامی همکاران در عنصر مادی گناه -یا جرم- است که به آنان شرکا گفته می‌شود. در صورت دوم، فرد یا افرادی به تنهایی مرتکب عنصر مادی گناه -یا جرم- شده، ولی فرد یا افراد دیگری، وی را در ارتکاب عنصر مادی، یاری و معاونت می‌کنند (بافقی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). در پدیده تروریسم هم، کسانی که از طریق حمایت مالی، اقدامات تروریست‌ها را ساپورت می‌کنند، در حکم صورت دوم بوده و به عنوان معاون در این جرم همکاری می‌نمایند.

در این راستا، جرم‌انگاری و شناختن روش‌های تامین مالی تروریسم به عنوان یک جرم مشخص و تعیین نمودن مجازاتی خاص برای این اقدامات، یکی از مهم‌ترین اقدامات مبارزه با تامین مالی تروریسم است. جمهوری اسلامی ایران هم در تلاش برای مبارزه با این جرم مبادرت به تهیه قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم کرده است.^۱ در این بین بررسی مبانی فقهی جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم به دلیل آنکه پایه و مبانی حقوق ایران، فقه اسلامی است، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا در این نوشتار به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که مبانی فقهی جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم چیست؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا تعریف تروریسم و تامین مالی تروریسم را مورد مذاقه قرار خواهیم داد و سپس مستندات فقهی که برای جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم وجود دارد، بررسی خواهیم کرد.

۱. مفاهیم

قبل از ورود به بحث اصلی ضروری است که به منظور آشنایی بیشتر با پدیده تروریسم و تامین مالی آن، با مفاهیم مرتبط با این پدیده آشنا شد.

^۱ این قانون در جلسه مورخ ۹۴/۱۱/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود و نهایتاً در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۹۴/۱۲/۳ پس از بحث و بررسی به تأیید شورای محترم نگهبان رسید.

۱.۱. تروریسم

تروریسم^۱ واژه‌ای هست که از فرهنگ غرب وارد مجموعه واژگان زبان فارسی شده است؛ به طوری که حتی در برخی از فرهنگ‌های معتبر لغت فارسی نظیر فرهنگ معین یافت نمی‌شوند. فرهنگ روابط بین‌الملل در تعریف تروریسم می‌گوید: «تروریسم، فعالیت‌های عاملان دولتی یا غیردولتی است که در کوشش‌های خود برای دستیابی به اهداف سیاسی از روش‌ها و وسایل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند» (آقابابایی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳).

واژه تروریسم در کتاب ترمینولوژی حقوق این‌گونه تعریف شده است: «کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور را تروریسم گفته‌اند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۰). در اصطلاح حقوقی، برخی تروریسم را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «در اصطلاح به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که با توسل به شیوه‌های خشن و غیرمتعارف، جان و مال و امنیت عمومی را در معرض تهدیدات جدی قرار داده و موجب ایجاد ترس و وحشت عمومی می‌شود» (شاملو، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰).

در حقوق ایران، اگرچه واژه تروریسم در موارد متعددی در قوانین کیفری^۲ به کار رفته است، ولی تعریف مشخصی از آن ارائه نگردیده و این بدان معناست که تروریسم در حقوق ایران در حال حاضر به عنوان جرم مستقل شناخته نمی‌شود، بلکه در کنار برخی دیگر از جرائم خشونت‌بار معنا پیدا می‌کند. باین‌وجود می‌توان از مصادیق ارائه شده در ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۵، مفهوم تروریسم را استنباط کرد. یعنی اگر کسی عملی انجام دهد که مشمول هر یک از چهار بند ماده یک قانون مذکور قرار گیرد عمل وی تروریستی محسوب می‌شود. مضمون ماده یک در واقع همان است که در کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)^۳ قید شده است. در بند ۱ از ماده ۲ به تعریف این جرم پرداخته شده است بر اساس این بند:

الف) هر رفتاری که بر اساس معاهدات منضم به این کنوانسیون جرم تلقی شود؛ یا ب) انجام هر عملی به قصد کشتار یا ایراد صدمات شدید جسمانی به غیرنظامیان یا افراد دیگر که در عملیات جنگی حین مخاصمات مسلحانه، به صورت مؤثر شرکت نداشته باشند، مشروط به اینکه هدف چنین اقدامی با توجه به ماهیت یا پیش‌زمینه‌ی آن، ترساندن جامعه باشد، یا بدین قصد صورت گیرد دولت یا سازمان بین‌الملل را به انجام یا ترک عملی وادار نماید.

به این ترتیب، عمل تروریستی دارای سه عنصر است. عنصر نخست این است که متضمن یک اقدام خشونت‌بار است و از این رو اعمالی را که خشونت‌بار نباشند، نمی‌توان تروریستی محسوب کرد؛ عنصر دوم این است که عمل تروریستی عملی است که خلاف شهروندان عادی است و عملی را که در سیاق مخاصمه مسلحانه انجام می‌شود، نمی‌توان عمل تروریستی محسوب کرد و سومین عنصر این است که هدف از عمل تروریستی، تأثیرگذاری بر خط‌مشی‌ها یا سیاست‌های یک دولت یا سازمان بین‌المللی است. حال با در نظر داشتن همین عناصر می‌توان تروریسم را چنین تعریف

^۱ در تئوریه کردن پدیده تروریسم به لحاظ عینیت تاریخی با تسامح می‌توان گفت، در هر کدام از دوره‌های تاریخی خاص، تروریسم شکل خاصی به خود گرفته است. تروریسم را می‌توان به ترتیب فرایند تاریخی به چهار نوع تقسیم کرد که عبارتند از: تروریسم پیشامدرن، تروریسم مدرن، تروریسم پسامدرن و تروریسم مجازی (سایبر تروریسم).

^۲ برای نمونه ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا مصوب ۱۳۹۲؛ ماده ۱۸ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۸/۲۲، قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶.

^۳ International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism

کرد که: «تروریسم عبارت است از به‌کارگیری اقدامات خشونت‌بار شدید و غیرقانونی بر ضد جان و یا مال عموم شهروندان غیرنظامی یا بخشی از آنان و یا تهدید به آن، به‌منظور ایجاد هراس عمومی» (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

در فقه اسلامی، بحثی تحت عنوان ترور مطرح نشده است، چون این واژه اسلامی نیست، بلکه غربی می‌باشد. با توجه به برجستگی دو منبع قرآن و سنت برای فقه، نص‌گرایی و روایت‌نویسی در نوشته‌های فقهی به عنوان یک ویژگی برجسته به شمار می‌رود. به همین دلیل، پدیده‌هایی که در فقه پیش‌بینی نشده‌اند، از نگاه این رشته از دانش‌های انسانی، جایگاهی ندارد. در نگاه نخست، پیوند تروریسم با فقه چنین است؛ زیرا در هیچ جستاری از فقه به موضوع تروریسم یا اقدام تروریستی در معنای امروزی پرداخته نشده است، ولی با دستاویز بررسی‌های مفهومی که برخلاف نص‌گرایی و به دنبال سازگاری دادن تروریسم با گزاره‌ها و آموزه‌های فقهی است، می‌توان میان فقه و تروریسم، این پیوند را یافت (عالی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷). اما در کتاب حدود ذیل عنوان ساب‌النبی و الاثم آمده است که اگر کسی به پیامبر اسلام و ائمه دشنام دهد، شونده می‌تواند دشنام دهنده را بکشد. این واژه در فقه تحت عنوان «فتک» بر وزن «امر» آمده است، «فتک» یعنی این که غفلتا به کسی یورش ببرند و او را بکشند، خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد. به نظر می‌رسد که «فتک» اعم از ترور باشد، یعنی ترور از مصادیق فتک است و ترور با «قتل غیله» مناسبت بیشتری دارد. چون معنای غیله آن است که کسی را فریب دهد و به جای نامعلوم برده، او را به قتل رساند. پس در واقع این غیله است که با مفهوم ترور شباهت دارد و از نگاه معنا با هم نزدیک می‌باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۵).

بنابراین می‌توان گفت که با اینکه تروریسم از مباحث نوین بوده و در فقه به طور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است، اما می‌توان از منابع فقهی به این تعریف از تروریسم دست یافت که با توسل به زور و کارهای خشونت‌آمیز باشد و با رعب و وحشت همراه گردد، در حکم اعمال تروریستی است.

۱.۲. تأمین مالی تروریسم

تأمین مالی تروریسم را در ساده‌ترین صورت می‌توان ارائه وجوه به تروریست‌ها تعریف کرد. به‌موجب بند اول ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم، تأمین مالی تروریسم چنین تعریف شده است: «ارائه یا جمع‌آوری وجوه به هر وسیله به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برخلاف قانون و به‌طور عمد به‌قصد یا با علم به این‌که به‌طور جزئی یا کلی، صرف اجرای اعمال تروریستی گردد». بر اساس ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۵: «تهیه و جمع‌آوری وجوه و اموال به هر طریق برای افراد تروریست و سازمان‌های تروریستی را می‌توان تأمین مالی تروریسم محسوب کرد. در ماده ۱ قانون فوق‌الذکر، اعمال متعددی که می‌توانند تهیه و جمع‌آوری وجوه محسوب شوند، برشمرده شده‌اند. این اعمال عبارت‌اند از: قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص از سوی خود یا دیگری جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی. روشن است که این موارد تمثیلی هستند نه حصری و هر عمل دیگری که بتواند منجر به رسیدن منابع مالی به تروریست‌ها شود، تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود».

با توجه به مطالب عنوان‌شده می‌توان گفت که هرگونه دادوستد با گروه‌های تروریستی، جمع‌آوری و ارائه مستقیم یا غیرمستقیم وجوه، دارایی‌های مالی و خدمات مالی به هر وسیله به‌قصد یا با علم به اینکه به‌طورکلی یا جزئی صرف اجرای اعمال تروریستی شده و یا به نفع اشخاص و سازمان‌هایی که به هر شکلی در اعمال تروریستی نقش دارند، مصرف گردد، تأمین مالی تروریسم است.

۲. مبانی فقهی

تامین مالی تروریسم در قوانین کیفری ایران در سال ۱۳۹۴ جرم‌انگاری شده است، ولی این جرم‌انگاری براساس اصول و مبانی خاصی بوده است که یکی از این مبانی، مبانی فقهی می‌باشد. حال سوال این است که مبانی فقهی تامین مالی تروریسم چه می‌باشد؟ علی‌رغم اینکه تامین مالی تروریسم موضوع جدیدی است، می‌توان با عناوینی هم‌چون «معین در محاربه» و «اعانه بر اثم و عدوان» در فقه منطبق دانست و برای مبانی فقهی جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم می‌توان به آیات و قواعد فقهی متعددی اشاره کرد. قاعده اکل مال بالباطل، قاعده لاضرر، قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان و حفظ حیات و امنیت جامعه از جمله مواردی هستند که می‌توان به تامین مالی تروریسم ارتباط داد و به عنوان مبانی فقهی این جرم مطالعه و بررسی نمود.

۲.۱. قاعده اکل مال بالباطل

در بررسی قاعده اکل مال به باطل، ابتدا باید تحصیل مال مورد بررسی قرار گیرد تا آشنایی بیشتری با تحصیل مال نامشروع که مقدمه‌ای برای بررسی قاعده اکل مال به باطل است، صورت گیرد. از دیدگاه فقهی هم، مبنای تحصیل مال نامشروع، ماهیت ناپسند بودن آن از نظر شرع است که مستند آن، آیات شریفه ۱۸۸ سوره بقره^۱ و ۲۹ سوره نساء^۲ در خصوص ممنوعیت اکل مال به باطل می‌باشد. این آیات بر عدم جواز تصرف در مال غیر بدون اذن صاحب آن دلالت می‌کند (شاهرودی، ۱۴۲۳، ص ۱۷۹). بر این اساس هر نوع تحصیل مال از طریق غیرشرعی ممنوع و گناه اعلام شده است که حتی شامل امور مدنی از قبیل استفاده بلاجهت و غصب هم می‌گردد. در فقه اهل سنت آمده است که هرکس از طریق خدعه و نیرنگ، مال دیگری را به دست آورد، عملش از عنوان سرقت خارج است و به عنوان عمل حرام قابل تعزیر است (جزیری، ۱۴۳۰، ص ۲۶۰). از نظر اسلام، هر گونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید براساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هرچه غیر از این باشد، حرام و باطل است. در واقع قاعده اکل مال بالباطل از قواعد کلی و عامی است که به عنوان یکی از منابع تعهد در حقوق اکثر کشورها پذیرفته شده است و اصولاً به این منظور پیش‌بینی شده که از استفاده بدون جهت (جهت قانونی) یا علت قراردادی به زیان افراد دیگر جلوگیری به عمل آید. یکی از ادله اساسی جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم، حرمت اکل مال به باطل است. قاعده حرمت اکل مال به باطل متخذ از آیه شریفه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» (بقره/ ۱۸۸) است. این قسمت از آیه شریفه شبیه قسمت اول آیه ۲۹ سوره مبارکه نسا «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا اَمْوَالِکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ» است. هم‌چنین آیه ۳۴ سوره توبه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اِنَّ کَثِیْرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَیَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَیَصُدُّوْنَ عَن سَبِیْلِ اللّٰهِ وَالَّذِینَ یُکْذِبُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَکَا یُنْفِقُوْنَہَا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده» نیز به تحصیل مال نامشروع اشاره دارد. در این آیات سه واژه «اکل»، «مال» و «باطل» در موضوع بحث ما، نقش کلیدی دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

^۱ وَکَا تَأْكُلُوا اَمْوَالِکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدُلُّوْا بِہَا اِلَی الْحُکَامِ لِتَأْكُلُوْا فَرِیْقًا مِّنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَانْتُمْ تَعْلَمُوْنَ

^۲ یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا اَمْوَالِکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِنْکُمْ وَکَا تَقْتُلُوا اَنْفُسَکُمْ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِکُمْ رَحِیْمًا

اکل

اکل در لغت به معنای خوردن است. منظور از اکل، خوردن و فرو دادن لقمه و یا مطلق خوردن نیست که معنای لغوی این کلمه است؛ مقصود برحسب آنچه مفسرین گفته‌اند، مطلق تصرف است نه خصوص خوردن. مقصود خصوص تصرف حقیقی هم نیست، بلکه معنایی مورد نظر است که شامل تصرفات اعتباری یعنی تملک و تصاحب هم می‌شود (گرجی، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

بنابراین می‌توان گفت که اکل شامل تمامی تصرفات، انتفاعات و استفاده‌ها در محاورات عرفی است. به عبارت دیگر، اکل بر معنای اعمی دلالت دارد و به هر نوع تصرف مالکانه‌ای گفته می‌شود. در تامین مالی تروریسم هم، گروه‌های تروریستی، مال افرادی را که به آنها کمک می‌کنند، تصرف نموده و تصاحب می‌کنند.

مال

جمع این واژه، اموال و دارای معنی و مفهوم روشنی است. به همین دلیل کمتر مورد توجه و توصیف قرار گرفته است. مرحوم طبرسی معتقد است که به خاطر اینکه مال دارای معنای روشن و واضحی است، نیاز به تعریف ندارد و از آن تعریفی نکرده است (طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۸). از منظر دکترین حقوق، مال به چیزی گفته می‌شود که مفید باشد و نیازی را برآورد؛ خواه نیاز مادی یا معنوی و قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد و هم‌چنین در تعریف مال مرسوم است که مال چیزی است که ارزش دادوستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگر داده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۹). بنابراین با توجه به تعاریف مذکور و وضوح معنای مال، این واژه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و شامل تمامی اعیان، منافع و حقوق مالی می‌شود. به عبارت دیگر هر چیزی که شرعا و عرفا دارای ارزش دادوستدی باشد، در زمره مال قرار می‌گیرد.

باطل

این کلمه در مقابل حق است و درباره آن گفته شده است که هر چیزی که حق نباشد، باطل خواهد بود (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۵۶). باطل از ریشه بطل به معنای نابودی، ناپایداری و ضدحق است و هر چیزی که حق نباشد، باطل خواهد بود (طریحی، بی تا، ص ۱۴۸). نکته مهمی که در اینجا باید مورد بررسی قرار گیرد، سنجه و ملاک باطل است. با جستجو در کلام فقها به دست می‌آید که دو نوع باطل وجود دارد: باطل شرعی (واقعی) و باطل عرفی (عقلایی). باطل شرعی به تمام چیزهایی که در شرع مقدس نامشروع، حرام و به بطلان آنها تصریح شده باشد، گفته می‌شود نظیر رشوه، سرقت، قمار، غصب و امثال آن. اما باطل عرفی به تمام چیزهایی گفته می‌شود که براساس فهم و درک عرف باطل باشد. به عبارت دیگر به آنچه از لحاظ عقلایی ناپسند و قبیح باشد، باطل عرفی گفته می‌شود.

با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی، باید به این نکته توجه کرد که در آیه اکل مال به باطل، کدام نوع باطل مدنظر است؟ باید گفت که در این مورد بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها باطل را صرفا باطل شرعی می‌دانند. از این رو معتقدند که قاعده مذکور فقط باطل‌هایی را که در آیات و روایات یعنی شرع بیان شده است، شامل می‌شود. صاحب مصباح‌الفقاهه از طرفداران این نظریه بوده و می‌گوید: «مراد از باطل، باطل واقعی و شرعی است. به تعبیر دیگر ایشان قائلند که هر چه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است (خویی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱). ولی در مقابل بعضی دیگر از فقها مانند امام خمینی قائلند، در جایی که در مورد بطلان یا عدم بطلان

امری از شرع مقدس نصی نباشد و یا مصادیقی نباشد، تشخیص و فهم باطل به عرف واگذارده می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ص ۱۸۷). شیخ انصاری در بسیاری مسائل، ملاک باطل را عرف می‌داند (انصاری، ۱۴۱۹، ص ۲۰). بنابراین می‌توان این گونه نتیجه گرفت که باطل بر اموری هم‌چون رباخواری، رشوه‌گیری، سوگند دروغ، ظلم و ستم، قماربازی، خوردن مال یتیم، لهو و لعب، غصب و تصرفات عدوانی، هر شی پلید، مبادلات و معاملات غیرمشروع و فاسد، درآمدهای نامشروع، صرف اموال در مسیرهای حرام و ناپسند و بالاخره بر هر غیرحقی و هر نوع استفاده غیرعقلایی از اموال و دارایی‌ها اطلاق شده است. بنابراین باطل محدود و منحصر به موارد خاص نیست، بلکه مفهوم وسیع و عامی دارد و هر گونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و انفال و حتی تصرفات ناروا و استفاده نامشروع از اموال خویش را دربرمی‌گیرد؛ زیرا باطل در مقابل حق قرار دارد و هر چه غیرحق باشد، باطل به حساب می‌آید. نه تنها تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب که صرف و خرج آن در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است. در جامعه اسلامی هم دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع باید با معیارهای صحیح و مشروع انجام پذیرد (اسماعیلی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۹).

با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان گفت که با توجه به اینکه باطل دارای معنا و مفهوم گسترده‌ای بوده و با مصادیق خاصی منحصر نیست و از طرف دیگر با توجه به ماهیت تامین مالی تروریسم که استفاده از اموال در جهت نامشروع و کمک به تروریست‌ها است که از لحاظ عرف و عقل، چنین استفاده‌ای باطل و من غیرحق می‌باشد، لذا تامین مالی تروریسم می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق قاعده اکل مال به باطل عرفی و عقلی قرار گیرد. بنابراین براساس آیات حرمت اکل مال به باطل، تامین مالی تروریسم حرام و نامشروع می‌باشد.

از آیات دیگری که می‌توان برای حرمت و غیرمشروع بودن تامین مالی تروریسم به آنها استناد کرد، آیات حرام‌خواری است که تعبیر به «اکل سحت» می‌شود. مانند آیه شریفه ۴۲ از سوره مائده که می‌فرماید: «سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می‌خورند پس اگر نزد تو آمدند [یا] میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می‌کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد».

برای دلالت این آیه بر تامین مالی تروریسم باید معنا و تفسیر سحت روشن شود. معنای سحت (به ضم سین) از سحت (به فتح سین) به معنای نابودی، از بین بردن و تباہ شدن است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷). گرچه واژه سحت در اصل به معنای قطع کردن، بریدن و استیصال است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۱۴۳) و با مفهوم باطل تفاوت دارد، ولی از آنجا که به کسب‌های حرام و اموالی که از راه‌های خلاف شرع و به شیوه‌های غیرعادلانه به دست آید، سحت گفته شده، معنایی شبیه باطل دارد. بر این اساس، اموالی که انسان به ناحق و از راه‌های حرام و باطل به چنگ می‌آورد، سحت است و درحقیقت سحت، برکت و حیات و سلامت اجتماعی را از بین می‌برد و باعث رکود و سکون می‌گردد. در باطل نیز همین تعریف جریان دارد. از این رو می‌توان گفت که سحت و باطل گرچه در ریشه لغوی تفاوت‌هایی دارند، ولی در بسیاری از جهات مشترک می‌باشند و موارد سحت مشمول اصل اکل مال به باطل می‌شود. از آنجا که روش‌هایی که برای تامین مالی تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد، در اغلب موارد دارای منشا نامشروع است، یکی از مصادیق روشن اکل سحت است. زیرا اولاً واضح و ملموس است که عواید و درآمدهای این چنینی نوعی حرام‌خواری و کسبی نامشروع

است و مشمول سحت قرار می‌گیرد. ثانياً با توجه به مترادف بودن سحت و اکل و اشتراک اکل سحت و اکل مال به باطل، این گونه اعمال از مصادیق اکل سحت محسوب می‌گردد.

۲.۲. قاعده لاضرر

یکی از قواعد مهم و اساسی که کاربردهای زیادی در مسائل فقهی و حقوقی دارد، قاعده لاضرر است. مدرکات این قاعده، آیات، روایات و عقل می‌باشد. در ابتدا لازم است برای روشنی بحث، معنای ضرر مشخص شود. بعضی ضرر را به معنای ضدنفع معنا کرده‌اند (طریحی، بی‌تا، ص ۱۵). ضرر مصدر باب مفاعله است و در این صورت که مفاعله از دو طرف است. بنابراین معنایش ضرر رساندن به غیر می‌باشد. در مقابل ضرر که ضرر رساندن بر خود است (ابن کثیرالدمشقی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۴).

در مورد مفاد قاعده لاضرر، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی گفته شده است، ولی از مجموع این نظرات می‌توان استنباط کرد که ضرر و زیان در اسلام غیرمشروع و مذموم قلمداد شده است. برای تطبیق قاعده لاضرر با مقوله تامین مالی تروریسم می‌توان گفت که اولاً دو عنوان ضرر از مفردات قاعده لاضرر که معنای مختلفی برای آن ذکر شد، به نظر می‌رسد که به وضوح با تامین مالی تروریسم انطباق دارد و غالباً هم ضرر در این مورد از سنخ اضرار عمومی و جامعه است. زیرا تامین مالی تروریسم منجر به عملیات تروریستی می‌گردد که باعث ضرر و زیان به افراد جامعه و سلب آسایش عمومی می‌شود. ثانياً از یک طرف با بررسی دقیق در دیدگاه‌های مختلف در مورد مفاد قاعده لاضرر که ضرر و زیان و خسارت در شریعت اسلام مذموم و غیرمشروع است؛ همان طور که براساس نظر مشهور ضرر و زیان نفی شده است و از طرف دیگر با توجه به تامین مالی تروریسم که دارای ضررهای فراوانی برای جامعه و نظام اسلامی دارد، به دست می‌آید که تامین مالی تروریسم به روشنی مشمول قاعده واقع می‌شود. ثالثاً براساس نظریه امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۵) در مورد مفاد قاعده لاضرر فهمیده می‌شود که در حکومت اسلامی هیچ کس نباید به دیگری ضرر بزند و درواقع هر جا ضرر برای نظام اسلامی و جامعه باشد؛ باید حکومت اسلامی با آن مقابله کند و ضرر را دفع کند. بنابراین با توجه به ضررهای مخرب پدیده تروریسم که برای جامعه دارد، وظیفه دولت است که با تامین مالی تروریسم مقابله و آن را جرم‌انگاری کند.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت که با توجه به فلسفه جعل قاعده لاضرر که جهت جلوگیری از ضرر در حکومت اسلامی و حفظ نظام (اجتماعی، امنیتی، حفظ حیات و ...) می‌باشد و از طرف دیگر با نظر به پیامدها و ضررهای منفی پدیده تروریسم، فهمیده می‌شود که باید تروریسم و تامین مالی آن را جرم قلمداد نموده و با آن مبارزه کرد. زیرا کسانی که به تروریسم کمک می‌کنند و حمایت مالی آنها را بر عهده دارند، درواقع به گسترش ضرر و زیان کمک می‌کنند و لذا براساس قاعده لاضرر، این عمل نامشروع بوده و باطل می‌باشد.

۲.۳. قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان

اعانه بر اثم از جمله قواعدی است که متکی به دلیل قرآن، روایت، عقل و اجماع است و حجیت آن خدشه‌ناپذیر است. براساس این قاعده، کسانی که برای انجام معصیت و گناه به دیگران کمک می‌رسانند، خود نیز مرتکب گناه شده و مستحق مجازات هستند. اعانت به معنای مساعدت کردن است و معین کسی است که فردی را در انجام کارش یاری دهد. بنابراین مراد از اعانت بر اثم، یاری کردن بر گناه و معصیت است.

فقیه معاصر، مکارم شیرازی برای بررسی مفهوم اعانه، ابتدا آن را ذیل عناوین قصدیه می‌گنجانند و بیان می‌دارد که همیشه در صدق مفهوم اعانه، قصد دخیل است. ایشان در این باره می‌فرمایند که اعتبار قصد در مفهوم اعانه نه به خاطر این است که جزء عناوین قصدیه است، بلکه علت در این است که نسبت فعل اختیاری به فاعل آن زمانی است که فاعل، قاصد آن فعل نیز باشد. همچنین بنا بر نظر ایشان در صدق اعانه لازم است که مقدمه‌ای که معین ایجاد می‌کند، از مقدمات قریبه باشد؛ یعنی این طور نباشد که بین فعل معین و فعل معان، واسطه‌های مختلفی باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ص ۱۱۱).

در مورد معنای اثم می‌توان گفت که اثم آن چیزی است که خداوند سبحانه از آن نهی کرده، خواه گناه صغیره باشد و خواه گناه کبیره. ترک هر چیزی که واجب است، انجام هر چیزی که حرام است و گناه و سرکشی را اثم گویند. این واژه شامل همه گناهان و تمام مقدمات گناه می‌شود. فاضل لنکرانی نیز در این زمینه می‌نویسد: «اعانه در لغت به معنی مساعدت است. گفته می‌شود اعانه علی ذلک یعنی او را در آن کار مساعدت کرد... ولیکن ظاهر این است که مساعدت اختصاصی به مساعدت عملی ندارد، بلکه مساعدت فکری و نشان دادن راه چیزی و راهنمایی کردن به آنچه مطلوب و مقصود است را نیز شامل است. بنابراین اعانه بر اثم یعنی مساعدت گناهکار و کمک به در جهت تحقق گناه و صدور معصیت، چه اینکه مساعدت عملی باشد یا به صورت فکری و راهنمایی کردن (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۴۵۱). آیات و روایات زیادی درباره حرمت تعاون بر اثم با مضمون‌های مختلف وارد شده است.

آیات

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَآلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید و از خدا پروا نمایید که همانا خداوند سخت کیفر است.»^۱ این آیه به صراحت بر حرمت اعانه بر اثم و عدوان دلالت دارد و خداوند در این آیه، مردم را به طور روشن از این کار منع کرده است. در تامین مالی تروریسم هم از آنجایی که خود پدیده تروریسم جرم بوده و از نظر شرعی گناه محسوب می‌شود، حمایت مالی از این افراد هم در حکم اعانه بر اثم بوده و حرام می‌باشد.

روایات

۱- امام صادق (ع) فرمودند: هرکس در کشتن فرد مسلمانی حتی در نوشتن کلمه و عبارتی مساعدت کند، در روز قیامت به گونه‌ای برمی‌خیزد که بر پیشانی او نوشته شده، از رحمت پروردگار مهربان مایوس است (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۲۷۶).

۲- امام باقر (ع) می‌فرماید: پیامبر اکرم (ص) در مورد شراب، ده نفر را لعن نمودند که عبارتند از: کارنده درخت آن، آب دهنده و باغبانش، گیرنده آب آن، نوشنده‌اش، ساقی آن، حمل‌کننده‌اش، آنکه برای او حمل کنند، فروشنده آن، خریدار آن و استفاده‌کننده از پول آن (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۴۲۹). در این روایت غیر از کسی که شراب را می‌نوشد، نه نفر دیگر هم لعن شده‌اند و لعنت آنها نشان دهنده این است که کار آنها به خاطر اعانت بر شرب خمر مورد نکوهش واقع شده است.

^۱ سوره مائده، آیه ۲

۳- حدیث نبوی که هر گونه کمک به گناهکار هر چند با خرید یا آماده‌سازی لوازم نوشتاری برای او باشد را حرام شمرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۴۷۸).

همان طوری که در مباحث پیشین هم ذکر شد، گروه‌های تروریستی برای نیل به اهداف خود نیازمند منابع مالی هستند و بدون تامین مالی نمی‌توانند اعمال تروریستی خود را به منصه ظهور برسانند. افراد یا گروه‌هایی که به تروریست‌ها کمک مالی می‌نمایند، در حکم معین هستند؛ بدین ترتیب که تروریست‌ها را برای انجام عمل نامشروع و حرام همراهی می‌کنند و در واقع آنها را مساعدت می‌کنند. بنابراین تامین مالی این گونه افراد حرام بوده و مورد نکوهش قرار گرفته است.

عقل

حکم عقل به قبح اعانه غیر بر اثم و معصیت مولی و انجام آنچه مورد غضب او است، حرمت می‌باشد. همان طور که انجام فعل منکر عقلا قبیح است و امر به آن منکر و تحریک به آن عقلا قبیح است. هم‌چنین تهیه اسباب انجام آن منکر و اعانه به فاعل آن منکر نیز عقلا قبیح است و موجب عذاب و عقوبت است.

اجماع

فقها بر حرمت اعانه بر اثم اجماع دارند و بر حرمت اعانه بر اثم در موارد مختلف و احکام متعددی استدلال نموده‌اند و هیچ بحثی در ثبوت حرمت و نهی از اعانه بر اثم وجود ندارد (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۵). بنابراین در اقدامات تروریستی نیز زمانی که افراد، منابع مالی در اختیار این گروه قرار می‌دهند، در واقع در حکم معین بوده و تروریست‌ها را در اقدامات خود که در حکم گناه و معصیت است، حمایت و مساعدت می‌نمایند.^۱ از این رو براساس قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان، تامین مالی تروریسم حرام بوده و قابل مجازات می‌باشد.

۲.۴. حفظ حیات و امنیت جامعه

حق حیات به عنوان مهم‌ترین اصل حقوق فطری و طبیعی انسان می‌باشد. زندگی موهبتی است که خداوند آن را به بشر ارزانی داشته است. هیچ فرد و حکومتی نمی‌تواند این حق را از فرد سلب کند و یا آسیبی به جسم و روح او وارد آورد. کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست. صیانت و حمایت از جان و زندگی افراد یکی از وظایف اصلی حکومت است و بقای هر جامعه و تمام اساس امنیت ملی و بین‌المللی بر آن استوار است و هیچ حکومتی نمی‌تواند نسبت به مسئولیت ملی و بین‌المللی خود در این باره بی‌اعتنا باشد (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۵، ص ۳۸).

حق برخورداری از صلح و امنیت از حق حیات تفکیک‌ناپذیر است. بنابراین همه اعتبار و ارزش حق حیات را می‌توان به حق صلح نیز تسری داد. از نظر اسلام، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک

^۱ عین موارد مطروحه در ماده ۱ قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم از مراجع عظام فعلی هم استفتاء شد که پاسخ برخی از آنها (آورده می‌شود): «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی الف: موارد مذکور از موارد اعانه بر اثم بوده و تشخیص تعزیر هم نسبت به آن با حاکم شرع جامع شرائط فتوی است. ب: به طور کلی هر عملی که موجب خسارت به افراد بوده اعم از جانی و مالی، موجب ضمان هست (۷ جمادالاولی ۱۴۴۰).

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: عدم جواز و نامشروع بودن مواردی که مرقوم داشته اید واضح و روشن است و قطعاً در صورت ارتکاب آنها توسط هر فرد یا گروهی که باشد، مطابق قوانین و مقررات مربوطه از طرف حکومت اسلامی مستحق مجازات خواهند بود.»

ارزش و هدف است و هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست، بلکه خود صلح، مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است و در شرایط صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن و توافق‌ها و سرانجام یگانگی آیین بشری و گرایش به حق امکان‌پذیرتر است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰).

در نظام حقوقی اسلام، حق حیات و تامین امنیت و حفظ جان انسان‌ها قبل از هر چیزی مورد توجه است. امام خمینی حفظ نظام و مصالح مسلمین را فلسفه و دلیل وجوب تشکیل حکومت می‌داند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ص ۴۶۱). بنابراین کلیه دولت‌ها از جمله دولت ایران نه تنها ملزم به احترام به حق زندگی افراد و اتباع خود هستند، باید به منظور صیانت و حمایت از جان آنها و جلوگیری از جرایم و تبهکاری‌ها و تامین نظم و امنیت با جرم‌انگاری هر گونه رفتاری که به حیات انسان‌های بی‌گناه لطمه می‌زند، از جمله اقدامات تروریستی را به عنوان جرمی شدید مورد توجه قرار دهند. تامین مالی تروریسم هم به واسطه اینکه منجر به اقدامات تروریستی می‌گردد و به بیان بهتر، اقدامات تروریستی را تسهیل می‌نماید و در نتیجه حیات و امنیت افراد بیگناه به خطر می‌افتد، باید جرم‌انگاری گردد.

هم‌چنین تامین مالی تروریسم مخالف مصالح جامعه است، به این دلیل که درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی، درآمدهایی غیرمشروع و غیرقانونی هستند و برخلاف نظم عمومی می‌باشند. هم‌چنین این درآمدها که درآمدهای حاصل از جرم هستند، دوباره برای ارتکاب جرم جدیدتر و زیان‌بارتر یعنی اقدامات تروریستی به کار گرفته می‌شود و چنین فعالیت‌هایی از این حیث که مقدمه و مبنایی برای جرایم آتی تلقی می‌شوند، برخلاف مصالح اجتماع و جامعه اسلامی هستند و با نظامات و مقررات حکومتی مغایرند (اسعدی، ۱۳۸۶، ص ۴۶۱). هم‌چنین درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی موجب اختلال و بی‌ثباتی در بازارهای مالی، بی‌عدالتی و هم‌چنین خسارات قابل توجه اجتماعی و پیامدهای دیگر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شود و از آنجا که حفظ نظام و مصالح عمومی عقلاً واجب است و آنچه موجب اخلال می‌شود، باید با آن برخورد و مبارزه کرد، پس تامین مالی تروریسم حرام بوده و باید با آن مبارزه کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه تامین مالی تروریسم، پدیده‌ای جدید است و نمی‌توان در فقه تعریفی برای آن پیدا کرد، اما در هر صورت مبانی فقهی روشنی نظیر آیات اکل مال بالباطل و قواعد فقهی هم‌چون قاعده لاضرر، قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان و حفظ حیات و امنیت جامعه، بر جرم‌انگاری این پدیده دلالت می‌کند. تحصیل مال نامشروع از جمله جرایمی است که هم در حقوق و هم در فقه مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه فقهی، مبنای تحصیل مال نامشروع، ماهیت ناپسند بودن آن از نظر شرع است که مستند آن، آیات شریفه ۱۸۸ سوره بقره و ۲۹ سوره نسا در خصوص ممنوعیت اکل مال به باطل می‌باشد. با توجه به اینکه باطل در این آیه، دارای معنا و مفهوم گسترده‌ای بوده و با مصادیق خاصی منحصر نیست و از طرف دیگر با توجه به ماهیت تامین مالی تروریسم که استفاده از اموال در جهت نامشروع و کمک به تروریست‌ها است که از لحاظ عرف و عقل، چنین استفاده‌ای باطل و من‌غیرحق می‌باشد، لذا تامین مالی تروریسم می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق قاعده اکل مال به باطل عرفی و عقلی قرار گیرد. بنابراین براساس آیات حرمت اکل مال به باطل، تامین مالی تروریسم حرام و نامشروع می‌باشد.

در مورد قاعده لاضرر هم، با توجه به فلسفه جعل این قاعده که جهت جلوگیری از ضرر در حکومت اسلامی و حفظ نظام (اجتماعی، امنیتی، حفظ حیات و ...) می‌باشد و از طرف دیگر با نظر به پیامدها و ضررهای منفی پدیده تروریسم،

فهمیده می‌شود که باید تروریسم و تامین مالی آن را جرم قلمداد نموده و با آن مبارزه کرد. زیرا کسانی که به تروریسم کمک می‌کنند و حمایت مالی آنها را بر عهده دارند، درواقع به گسترش ضرر و زیان کمک می‌کنند و لذا براساس قاعده لاضرر، این عمل نامشروع بوده و باطل می‌باشد.

مبنای دیگر قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان می‌باشد. براساس این قاعده، کسانی که برای انجام معصیت و گناه به دیگران کمک می‌رسانند، خود نیز مرتکب گناه شده و مستحق مجازات هستند. تامین مالی تروریسم هم می‌تواند از مصادیق اثم به شمار آید. به این دلیل که هدف از اقدامات تروریستی، کشتن افراد بیگناه است و جزء کارهایی است که به تعابیر مختلف مورد نکوهش قرار گرفته است. پس کسانی که پول و امکانات در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهند، مرتکب گناه و معصیت می‌شوند که در حکم اثم است.

از سوی دیگر، تامین مالی تروریسم مخالف مصالح جامعه است، به این دلیل که درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی، درآمدهایی غیرمشروع و غیرقانونی هستند و برخلاف نظم عمومی می‌باشند. هم‌چنین این درآمدها که درآمدهای حاصل از جرم هستند، دوباره برای ارتکاب جرم جدیدتر و زیان‌بارتر یعنی اقدامات تروریستی به کار گرفته می‌شود و چنین فعالیت‌هایی از این حیث که مقدمه و مبنایی برای جرایم آتی تلقی می‌شوند، برخلاف مصالح اجتماع و جامعه اسلامی هستند و با نظامات و مقررات حکومتی مغایرند و باعث وارد آمدن خسارات قابل توجه اجتماعی و پیامدهای دیگر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شود و از آنجا که حفظ نظام و مصالح عمومی عقلاً واجب است و آنچه موجب اخلال می‌شود، باید با آن برخورد و مبارزه کرد، پس تامین مالی تروریسم نیز دارای حرمت بوده و جرم‌انگاری آن ضرورت دارد.

منابع

- ۱- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت، مجله فقه و حقوق، شماره ۲.
- ۲- اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۶). جرایم سازمان یافته فراملی، تهران، انتشارات میزان.
- ۳- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹). البیع، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- ۴- ابراهیمی، محمدعلی (۱۳۹۲). مفهوم تروریسم، نگرش حقوق بین‌الملل، فقها و امام خمینی، همایش اندیشه‌های فقهی امام خمینی.
- ۵- ابن کثیرالدمشقی، ابی‌الفداء اسماعیل (۱۴۱۲). تفسیرالقرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه.
- ۶- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵). لسان‌العرب، داراحیاء التراث العربی.
- ۷- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۸- اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۳). اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، مجله فقه، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۷.
- ۹- بافقی، محمد (۱۳۸۷). قاعده فقهی اعانه بر اثم، مجله علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۷، صص ۱۹۶-۱۷۵.
- ۱۰- پلینو، جک‌سی و آلتون (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه: حسن پستا، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۱۱- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹). الفقه علی‌المذاهب الاربعه، بیروت، منشورات دارالتقلین.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ ۲۹.
- ۱۳- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، داراحیاء التراث العربی.

- ۱۴- زکی، حمید (۱۳۹۲). مفهوم و مصداق تروریسم در اسناد و معاهدات بین‌المللی و دیدگاه امام خمینی (ره)، همایش اندیشه‌های فقهی امام خمینی.
- ۱۵- شاملو، باقر (۱۳۸۱). تفکیک بین تروریسم و جرایم سیاسی. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضائی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری.
- ۱۶- شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳). کتاب‌الاجاره، قم، موسسه دایره‌المعارف‌الاسلامی.
- ۱۷- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ اسلامی داود (۱۳۹۴). ماهیت کیفری تامین مالی تروریسم، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۴، صص ۲۸۶-۲۵۷.
- ۱۸- طباطبایی مومتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۹- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۵). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۰- طریحی، فخرالدین بن محمد (بی‌تا). مجمع‌البحرین، تحقیق: محمدکاظم طریحی، قم، انتشارات زاهدی.
- ۲۱- عالی‌پور، حسن (۱۳۸۹). نسبت مفهومی تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۱۹.
- ۲۲- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر.
- ۲۳- علامه حلی، حسن‌بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد‌الاحکام فی معرفه‌الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۲۴- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶). القواعد‌الفقهیه، قم، چاپخانه مهر.
- ۲۵- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، نشر دادگستر، چاپ چهارم.
- ۲۷- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۳). آیات‌الاحکام (حقوقی- جزایی)، تهران، نشر میزان.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد‌الفقهیه، قم، مدرسه امام امیرالمومنین (ع).
- ۳۰- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۱۰). تهذیب‌الاصول، قم، انتشارات دارالفکر.
- ۳۱- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). کتاب‌البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۲- نراقی، احمدبن محمد مهدی (۱۴۱۷). عوائد‌الایام فی بیان قواعد استنباط الاحکام، قم، مرکز نشر کتب اسلامی.
- ۳۳- هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۰). تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.